



## The Impact of Globalization on the Concept of Governance and Government Functions

Keramat Khalafi<sup>1</sup>, Yaser Roostaei<sup>2\*</sup>, Deriush Shahriarei<sup>3</sup>

1. PhD Student in Public Law, Department of Law, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.

2. Assistant Professor of Department of Public Law, Department of Law, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.

3. Assistant Professor of Department of Public Law, Department of Law, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Article Type:** Original Research

**Pages:** 1119-1136

**Article history:**

**Received:** 23 Sep 2023

**Edition:** 18 Nov 2023

**Accepted:** 11 Jan 2024

**Published online:** 20 Jan 2024

### Keywords:

governance, functions of the state, globalization, communication, border.

### Corresponding Author:

Yaser Roostaei

### Address:

Iran, Bandar Abbas, Islamic Azad University, Bandar Abbas Branch, Department of Law.

### Orchid Code:

### Tel:

09123613899

### Email:

yasserroostaei@yahoo.com

### ABSTRACT

**Background and Aim:** Any change in the concept of governance will have a direct impact on the functions of the government. What makes the topic important is the effect of globalization on the concept of governance and functions of the government.

**Materials and Methods:** The research method is descriptive and analytical. The materials and data are also qualitative and data collection has been used.

**Ethical Considerations:** In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are respected.

**Findings:** The globalization of the economy has reduced the control of governments over economic policies, the policies and monetary and financial relations of national governments are influenced by the international financial markets to the extent that many indicators of independence in national economic policies have been challenged. From a cultural point of view, new ideas have entered the borders of governments through satellite systems, which has made censorship difficult.

**Conclusion:** The effect of globalization on the concept of governance and the functions of the government has been to such an extent that other national governments are not able to solve their problems without international and supranational assistance. New technologies, the development of communication and the ease of access of people to information increased their awareness and reduced the costs of transmission and processing. And it provided the ground for the emergence of new actors and their empowerment, and the traditional concept of sovereignty was transformed and its absolute, permanent and indivisible aspects were distorted.

### Cite this article as:

Khalafi K, Roostaei Y, Shahriarei D. The Impact of Globalization on the Concept of Governance and Government Functions. *Economic Jurisprudence Studies* 2023.



دوره پنجم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۲

### تأثیر جهانی شدن بر مفهوم حاکمیت و کارکردهای دولت

کرامت خلفی<sup>۱</sup>، یاسر روستایی<sup>۲\*</sup>، داریوش شهریاری<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، گروه حقوق، واحد بندر عباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.
۲. استادیار گروه حقوق عمومی، گروه حقوق، واحد بندر عباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.
۳. استادیار گروه حقوق عمومی، گروه حقوق، واحد بندر عباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.

#### چکیده

**زمینه و هدف:** هر تحولی در مفهوم حاکمیت تأثیر مستقیم در کارکردهای دولت خواهد داشت. آنچه باعث اهمیت موضوع است تأثیر جهانی شدن بر مفهوم حاکمیت و کارکردهای دولت است.

**مواد و روش‌ها:** روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب استفاده شده است.

**ملاحظات اخلاقی:** در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** جهانی شدن اقتصاد باعث کاهش کنترل سیاست‌های اقتصادی توسط دولت‌ها شده است. سیاست‌ها و مراودات پولی و مالی دولتهای ملی تحت تأثیر بازارهای مالی بین‌المللی هستند تا آنجا که بسیاری از شاخصه‌های استقلال در سیاست‌های اقتصادی ملی با چالش مواجه شده است. از نقطه نظر فرهنگی عقاید جدیدی توسط سیستم‌های ماهواره‌ای وارد مرزهای دولت‌ها شده است که سانسور را با مشکل مواجه کرده است.

**نتیجه:** تأثیر جهانی شدن بر مفهوم حاکمیت و کارکردهای دولت تا حدی است که دیگر دولت‌های ملی بدون کمک‌های جهانی و فراملی قادر به حل مشکلات خویش نیستند. فناوری‌های جدید، توسعه ارتباطات و سهولت دسترسی افراد به اطلاعات موجب افزایش آگاهی آن‌ها و کاهش هزینه‌های انتقال و پردازش شد و زمینه را برای ظهور بازیگران جدید و توانمند شدن آن‌ها فراهم کرد و مفهوم سنتی حاکمیت متحول شد و جنبه‌های مطلق، دائمی و غیر قابل تقسیم بودن آن مخدوش شد.

#### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۱۱۹-۱۱۳۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۸/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۳۰

#### واژگان کلیدی:

حاکمیت، کارکردهای دولت، جهانی شدن، ارتباطات، مرز.

#### نویسنده مسئول:

یاسر روستایی

آدرس پستی:

ایران، بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندر عباس، گروه حقوق.  
کد ارکید:

تلفن:

09123613899

پست الکترونیک:

yasserroostaei@yahoo.com

## ۱. مقدمه

تعریف و کارویژه‌های دولت نیز که حاکمیت به نوعی بیانگر قلمرو نفوذ و عمل آن است، تأثیرگذار بوده است. هر چقدر این مفهوم کلان‌تر، مطلق‌تر و موسع‌تر بوده است، گستره کارکرد دولت‌ها نیز به تناسب نامحدود بوده است و دایره حوزه عمومی در برابر قلمرو خصوصی مردم و شهروندان وسعت بیشتری داشته است. اما با گذر زمان و تحول مفهوم حاکمیت به نفع شهروندان و به ضرر دولت‌ها، این معادله برعکس شده است. پرسش اصلی در این مقاله این است که جهانی شدن چه تأثیری بر مفهوم حاکمیت و کارکردهای دولت داشته است؟

بررسی جهانی شدن در ابعاد مختلف چگونه ضمن متحول ساختن مفهوم حاکمیت و دگرگون کردن برخی از ویژگی‌های انحصاری آن، کارویژه‌های دولت‌ها را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

## ۲. مواد و روش‌ها

روش تحقیق در مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها کیفی و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

## ۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

حجم زیادی از تحقیقات انجام‌شده یا در حال انجام در حوزه حقوق عمومی به موضوعات مرتبط با حاکمیت توجه کرده‌اند و از آنجا که تحولات در مفهوم حاکمیت و کارکردهای دولت با سرعت در حال وقوع است؛ لذا موضوعات جدید برای محققان وجود دارد. آنچه این تحقیق را متمایز می‌کند، علاوه بر توجه ویژه به دولت به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی حاکمیت، تشریح نقش سایر بازیگران داخلی و خارجی به‌خصوص بازیگران نوظهور و تقابل آن‌ها با دولت و کمیت و کیفیت اثرگذاری آن‌ها بر کارکردهای دولت است. نیز سعی شده است زوایای تاریک این حوزه مشخص شود و علاقه‌مندان را برای تحقیق به این سمت سوق دهد. اگر به تعریف کلاسیک از حاکمیت توجه کنیم آن را قدرتی برتر از سایر قدرت‌ها بیان کرده‌اند که اعمال آن به دولت واگذار شده است؛ اما در عصر حاضر با بروز اندیشه جهانی شدن و ظهور دولت‌های فراتنظیمی که موجبات توسعه روابط اجتماعی و ارتباطات را در سطوح ملی و فراملی فراهم کرده‌اند، کانون‌های قدرت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متنوعی موقعیت ظهور یافته‌اند که از دایره شمول قدرت دولت خارج هستند و به‌صورت خودجوش، مردمی و غیر دولتی در جامعه هویدا شده‌اند و این نشانه تحول عمیق در مفهوم حاکمیت است. یکی از شروط مهم اعمال حاکمیت امروزه مورد حمایت قرار دادن حقوق و آزادی‌های شهروندان است. اگر نتیجه اعمال حاکمیت محدودیت حقوق و آزادی‌های شهروندان باشد قابل پذیرش نیست به این دلیل که دارندگان اصلی حق حاکمیت شهروندان هستند. تحول مفهوم حاکمیت در دوره‌های مختلف بر تحول

#### ۴. یافته‌ها

صلاحیت اتخاذ تصمیم نهایی و همچنین توانایی تجمیع نیروهای سیاسی در درون جامعه تعبیر می‌شود که دارنده آن صلاحیت امر و نهی کردن در جامعه را دارد (طباطبایی مومنی، ۱۳۸۰، ۵۴). در واقع حاکمیت قدرت عالی‌ای است که نخست بر قلمرو سرزمینی و افراد مستقر در آن برتری دارد به نحوی که همه افراد جامعه در داخل از آن تبعیت می‌کنند؛ دوم اینکه دیگر کشورها این اقتدار را به رسمیت می‌شناسند و محترم می‌شمارند (ویلیامز، ۱۳۷۹، ۱۳۳).

وقتی گفته می‌شود دولتی حاکم است یعنی در حوزه اقتدار خویش نیرویی خودجوش دارد که منشعب از نیروی دیگری نیست و قدرتی برابر با آن در جامعه وجود ندارد و در راستای اعمال اراده و اقتدار خویش مانعی نمی‌یابد و نمی‌پذیرد. همه صلاحیت‌ها ناشی از اوست؛ اما صلاحیت او فی نفسه است. مفاهیم حاکمیت و دولت - کشور چنان به هم گره خورده‌اند که نفی هر یک نفی دیگری است. حاکمیت همچون مرکز تولید اقتدار به دستگاه‌های فرمانروا صلاحیت اعمال اراده اعطا می‌کند.

بر این اساس حاکمیت در هر جامعه‌ای دارای سه وصف است: اولاً برتر از سایر قدرت‌ها و مقاومت‌ناپذیر است؛ ثانیاً فعلیت و ظهور خارجی یافته است و ثالثاً مستقر و پایدار است (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ۱۸۸).

حقوق بین‌الملل، بر مبنای اصل مساوات و برابری حاکمیت‌ها شکل گرفته است. احترام به تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولت‌ها، به رسمیت شناختن و مورد احترام قراردادن موجودیت دولت‌های دیگر، ایفای تعهدات بین‌المللی و ایجاد نظام

جهانی شدن اقتصاد باعث کاهش کنترل دولت‌ها بر سیاست‌های اقتصادی شده است، سیاست‌ها و مراودات پولی و مالی دولت‌های ملی تحت تأثیر بازارهای مالی بین‌المللی هستند. تا آنجا که بسیاری از شاخصه‌های استقلال در سیاست‌های اقتصادی ملی با چالش مواجه شده است. از نقطه نظر فرهنگی عقاید جدیدی توسط سیستم‌های ماهواره‌ای وارد مرزهای دولت‌ها شده است که سانسور را با مشکل مواجه کرده است و رسانه‌های ملی که عهده‌دار کمک به حفظ انسجام ملی هستند در معرض تهدید قرار گرفته‌اند.

#### ۵. بحث

در این قسمت مفهوم حاکمیت، ویژگی‌ها و تحولات نظری آن و یافته‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد.

#### ۵-۱. تعریف حاکمیت

حاکمیت از واژه Superanu به معنی «برتر» گرفته شده است. این واژه به جای government به کار می‌رود که برگرفته از فعل یونانی kubernan به معنی «راهبری یا هدایت کردن» است. این واژه یونانی توسط افلاطون به منظور طراحی یک نظام حاکمیتی به کار گرفته شد. از واژه لاتین gubemare به معنی «حکم‌روایی کردن» نیز در دوران قرون وسطی استفاده شده است (گالاهر، ۱۳۹۰، ۴۳). حاکمیت از دیدگاه حقوق عمومی و به طور اخص حقوق اساسی به معنی قدرت برتر و

## ۵-۲. ویژگی‌های حاکمیت

با توجه به تعاریف دولت دارای ویژگی‌های متعدد است که در ادامه بیان می‌شود.

### ۵-۲-۱. مطلق بودن

از دیدگاه حقوق عمومی و علوم سیاسی حاکمیت مطلق و نامحدود است. چه در داخل و چه خارج از دولت هیچ قدرت قانونی برتر از دولت وجود ندارد. اگر محدودیتی هم بر کارکرد داخلی دولت اعمال می‌شود ناشی از خود دولت است. بعضی به‌طور کلی درک صحیح ویژگی مطلق بودن حاکمیت را از منظر حقوقی می‌بینند و می‌گویند اقتدار حاکمیت از طریق نهادهای مستقر به‌منظور بسط اراده عمومی اعمال می‌شود. لذا هرچند اقتدار مطلق است؛ اما به هیچ وجه اشتراکی با اعمال قدرت استبدادی ندارد. اراده حاکمیت با اراده شخصی تفاوت دارد. از آنجا که اعمال اراده حاکم در قالب قانون انجام می‌گیرد، در واقع همان حاکمیت قانون است (لاگلین، ۱۳۸۸، ۲۰۰). از جمله مبانی پذیرش نظریه مطلق بودن، اصل خطاناپذیری حاکمیت است. خاستگاه اصلی این مهم از دیدگاه کسانی که نظریه حق الهی را در غرب مطرح و ترویج دادند این بود که شه‌ریار برگزیده خداست؛ لذا نمی‌تواند خطا کند. این رویکرد تا جایی توسعه یافت که در آمیختن نظریه حق الهی و نظریه‌های «حاکمیت کامل و مطلق در قانون‌گذاری» و «مالکیت بر کشور» و نظریه «مصلحت دولت» نه تنها اعمال شه‌ریار و دولت دارای مشروعیت الهی بود؛ بلکه از لحاظ نظری کلیه اعمال دولت مشروع به‌شمار می‌رفت (وینسنت، ۱۳۷۶، ۱۱۷).

سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هر دولت به دست خویش، همه بیانگر تساوی حاکمیت‌ها در حقوق بین‌الملل هستند که در منشور ملل متحد نیز بر آن تأکید شده است. به باور برخی حقوق‌دانان، حاکمیت از گونه وستفالیایی به‌معنای عدم دخالت دولت‌ها در امور داخلی یکدیگر بود و این اصل به‌عنوان یک قالب حقوقی در معاهده وستفالی به تصویب کشورهای طرف معاهده رسید (Albahary, 2009, 522).

از دیدگاه حقوقی، برای حاکمیت ویژگی‌های زیادی قابل شمارش است که مهم‌ترین ویژگی مطلق و نامحدود بودن به‌عبارتی مقاومت‌ناپذیر بودن و مهارنشده‌نی آن است. به این معنا که در درون و برون از دولت، هیچ قدرت قانونی‌ای برتر از دولت وجود ندارد و هر محدودیتی که بر چگونگی عمل داخلی دولت وجود دارد، محدودیتی است که خود دولت آن را برقرار کرده است (مرتضوی، ۱۳۹۴، ۳۸). به گفته لیکاک برای اینکه حاکمیتی موجود باشد، نباید سرزمین و مردم بخشی از واحد سیاسی دیگری باشند. سرزمین هم نباید دارای بخش یا بخش‌هایی باشد که از لحاظ جغرافیایی بخشی از آن باشند؛ اما از لحاظ سیاسی تحت سیطره آن نباشند. به‌عبارتی، مردم باید استقلال داشته باشند تا دارای حاکمیت باشند. در داخلی نباید اقتداری رقیب یا هم‌تراز وجود داشته باشد. از لحاظ خارجی، دولت نباید در انقیاد دولت دیگر باشد.

## ۵-۲-۲. فراگیر و جامع بودن

حاکمیت در بر گیرنده همه افراد و اجتماعات در قلمرو سرزمینی خود است. هیچ فرد یا اجتماعی در قلمرو حاکمیت دولت از شمول اقتدار آن خارج نیست. هیچ شخصی نمی‌تواند مدعی باشد به‌عنوان یکی از حقوق خود از شمول اقتدار دولت آزاد است یک استثنا بر فراگیری و جامعیت حاکمیت وجود دارد و آن هم مصونیت دیپلماتیک است که نماینده دولت‌ها در سفارت‌خانه آن‌ها تابع دولت محل اقامت خود نیستند و تابع مقررات کشور متبوع خویش هستند و این هم ناشی از توافق دولت‌ها است. این مستثنی بودن سفارت‌خانه‌ها به هیچ وجه حاکمیت در مفهوم حق را دچار محدودیت نمی‌کند. زمانی حاکمیت واقعی مردم تحقق خواهد یافت که منشأ قدرت سیاسی افراد جامعه باشند و هر فرد به‌عنوان بخشی از قدرت سیاسی تلقی شود و حکومت باید بپذیرد که قدرت ناشی از مردمی است که آن را به‌وجود آورده‌اند و به‌طور موقت به کارگزاران نظام سیاسی تفویض کرده‌اند. در اینجا دولت اصالت ندارد و صرفاً نماینده صاحبان اصلی قدرت است و باید بر مبنای اهدافی که آن‌ها تعیین کرده‌اند اعمال حاکمیت کند.

تحقق حاکمیت مردم زمانی تضمین می‌شود که در یک نظام سیاسی تمامی اشکال قدرت به مبنای و اصول نمایندگی متعهد باشند و امکان ادامه حیات برای هیچ شکلی از قدرت سیاسی - حقوقی بدون گذر از نظام نمایندگی وجود نداشته باشد (دبیرنیا، ۱۳۹۵، ۱۲۵).

## ۵-۲-۳. حاکمیت دائمی است.

به همان دلیل که دولت نهادی دائمی است، حاکمیت دولت هم دائمی است. مادام که دولتی مسقر است، حاکمیت آن هم استقرار دارد. این دو مفهوم به هم گره خورده‌اند و جدایی‌ناپذیر. برابری حقوقی دولت‌ها بر این پایه استوار است که هر گونه دخالت در امور داخلی دولت دیگر که موجبات خدشه به استقلال و حاکمیت آن دولت را فراهم کند ممنوع است. بر این اساس حاکمیت به مجموعه‌ای از صلاحیت‌ها و اختیاراتی اطلاق می‌شود که دولت‌ها در قلمرو سرزمینی خویش نسبت به اشخاص و اموال اعمال می‌کنند.

حق حاکمیت دولت‌ها ایجاب می‌کند استقلال داخلی و خارجی آن‌ها مورد احترام واقع شود. صلاحیت شخصی دولت‌ها متضمن اجرای اختیارات دولت نسبت به اتباع خویش در داخل و خارج از قلمرو سرزمینی است. صلاحیت سرزمینی دولت نیز نسبت به همه اشخاص و اموال و فعالیت‌های واقع در سرزمین مربوطه می‌شود (موسی‌زاده، ۱۳۷۸، ۴۳).

## ۵-۲-۴. انحصاری بودن

در هر دولتی فقط یک حکمران باید وجود داشته باشد که بر اساس موازین حقوقی در قلمرو سرزمین خود صلاحیت دارد اشخاص را به اطاعت از خویش وادار کند. پذیرش بیشتر از یک حکمران به معنی نفی یکپارچگی دولت است و قبول احتمال «دو پادشاه در یک اقلیم نگنجند» است. هر دولتی در اعمال صلاحیت در قلمرو سرزمینی خویش دارای اقتدار کامل است و بر همه قدرت‌های نهفته در جامعه تفوق

حکومت به عناصری چون مردم(جامعه)، فرهنگ، اقتصاد، مالکیت و مالیات و همچنین جایگاه دولت و نظریه‌های مطرح پیرامون آن و تفسیر حاکمیت تحت عنوان عامل موجه حکمرانی و جایگاه ساختار حاکمیت و قدرت، قوای سه‌گانه، نگرش پیرامون قانون‌گذاری و عوامل مشروعیت‌بخش برای دارندهٔ این حق است. حاکمیت در مفهوم سنتی قدرت عالی‌های عنوان شده است که اشخاص ساکن در قلمرو سرزمینی مکلف به اطاعت از آن بودند؛ یعنی وجه اجبار. زیرا هیچ استدلال و توجیه حقوقی برای این وجه وجود نداشت و آنچه بود الزامی برای اطاعت-پذیری محض بوده است. اما با گذشت زمان تحولات جدیدی در جامعه حادث شد که موجب شد حاکمیت از حالت یک‌جانبهٔ خویش خارج شود. سپس تفاسیری نوین از آن به نفع حکومت شوندگان ارائه شد و حالت دو جانبه پیدا کرد. دلیل اصلی این تحول این است که امروزه با پیشرفته‌تر شدن جوامع انسانی و گسترش شاخص‌های دموکراسی در غالب کشورهای جهان، شاخص‌های کلاسیک مفهوم حاکمیت از جمله در اختیارگرفتن قدرت توسط مردم و وجود نهادهای دموکراسی از جمله پارلمان و نقش مهم آن‌ها در اعمال قدرت، تفکیک قوا، قانون اساسی و قوانین بنیادین پیرامون حقوق بشر و دموکراسی در قالب امری بدیهی جایگاه خویش را پیدا کرده است و دیگر خودکامگی، دیکتاتوری، مطلق‌گرایی، سلطه‌طلبی، توتالیتریسیم تنها نگرانی و دغدغهٔ مردم کشورها نیست. امروزه رقابت در فراهم کردن زمینهٔ پیشرفت و به دست آوردن شاخص‌های زندگی مناسب برای افراد جامعه است و به همین دلیل است که مفهوم حاکمیت نیز دچار استحاله شده است؛ چون معیارهای حقوقی نیز به‌طور دائم در حال

دارد. این برتری باعث می‌شود تا حاکمیت‌ها با آزادی عمل تصمیمات لازم را اتخاذ کنند و یا به وضع قوانین، ادارهٔ امور سازمان‌ها و مقابله با هرج و مرج-های موجود در نظام اجتماعی اقدام کنند(پروین و دیگران، ۱۳۹۱، ۱۲۸).

### ۵-۲-۵. تقسیم‌ناپذیر بودن

حاکمیت بر مبنای سرشت خویش غیر قابل تقسیم است. در هر دولتی فقط یک حاکمیت می‌تواند وجود داشته باشد. تعدد نهادهای مدعی حاکمیت وحدت و یگانگی دولت را مخدوش می‌کند. حاکمیت باید یکپارچه باشد و تقسیم آن به معنای نابودی آن است. یلینک بیان می‌دارد: عقیده بر «حاکمیت تقسیم‌شده، پراکنده، کم‌شده، محدودشده، و نسبی»، متناقض است. همین‌طور، کالهون معتقد است: «حاکمیت یکپارچه است، تقسیم آن، نابودی آن است. حاکمیت قدرت بر تر دولت است و همان‌طور که از نصف مربع یا از نصف مثلث نمی‌توان سخن گفت، از نصف حاکمیت هم نمی‌توان حرف زد». گتل اعتقاد دارد: اگر حاکمیت مطلق نباشد، هیچ دولتی وجود ندارد. اگر حاکمیت تقسیم شده باشد، بیش از یک دولت وجود دارد(عالم، ۱۳۹۶، ۲۴۵).

### ۵-۳. حاکمیت به‌عنوان مفهومی سیال

حاکمیت مفهومی است که در گذر زمان با تحول همراه بوده است و تفاسیر ارائه‌شده از حاکمیت تحت هیچ عنوان واجد شرایط مشابه نیستند. آنچه در اینجا ضرورت دارد که مورد بررسی قرار گیرد نوع نگرش

۱۶۴). شدت گرفتن روند جهانی شدن از آغاز قرن بیست و یکم، از طرفی شاهد پیدایش و مستحکم شدن موقعیت نهادهای جدید فراملی از قبیل مؤسسات و سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های چندملیتی و مراجع قانون‌گذار بین‌المللی هستیم و از دیگر سو، موضوعاتی پیش روی ملت‌ها و دولت‌های آن‌ها قرار گرفته دارد که تا کنون یا وجود نداشت یا به وسعت امروز نبوده است و موضوعات جهانی محسوب نمی‌شدند. امروزه و در عصر جهانی شدن، قدرت دولت‌های ملی، در جنبه‌های مختلف آن در حال دگرگونی است. بدین نحو که بخشی از قدرت دولت به صورت عمودی، به مؤسسات و سازمان‌های بین‌المللی و فراملی نظیر صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی، سازمان‌های اقتصادی و سیاسی منطقه‌ای و سازمان‌های مشابه، در حال واگذاری است. بخش دیگر قدرت دولت‌ها، رو به پائین، به سازمان‌های محلی و گروه‌های فشار بومی در حال جابه‌جایی است (فروغی‌نیا، ۱۳۹۱، ۱۷۲).

پدیده جهانی شدن در بر دارنده ارزش‌های فراوان سیاسی، اقتصادی برای جامعه بشری و به‌طور هم‌زمان دلیل و پیامد هم‌گرایی نظام‌های سیاسی و اقتصادی بین ملت‌ها است. درحالی‌که جهانی شدن به هم‌گرایی نظام‌های اقتصادی و سیاسی مساعدت می‌کند، هم‌گرایی نیز به سهم خویش موجبات گسترش جهانی شدن را فراهم می‌کند. این هم‌گرایی باعث تغییرات اساسی در ارزش‌ها می‌شود. پذیرش ارزش‌های لیبرال دموکراسی مانند بازار آزاد، حاکمیت دموکراسی و حمایت از حقوق بشر، اگرچه نه به صورت جهانی، پذیرفته شده است. اگرچه این تغییرات ممکن است از یک کشور به کشور دیگر

تغییر و پیشرفت هستند (بروجردی، ۱۳۹۸، ۱۲۸). در دوران جدید حاکمیت، قدرت مستقر برای اعمال حاکمیت خویش باید حقوق حکومت‌شوندگان را نیز مدنظر قرار دهد. به عبارت دیگر، حاکمیت دیگر تنها به یک سر که حکومت‌کنندگان باشند، بسته نیست؛ بلکه سر دیگر آن نیز به حکومت‌شوندگان بسته است. از این رو اعمال حاکمیت نه تنها ابزاری برای حفظ قدرت فرمانروا شناخته می‌شود؛ بلکه ابزار حفظ حقوق شهروندان نیز است (ویژه، ۱۳۸۵، ۴۲).

حاکمیت که در حقوق بین‌الملل سنتی به عنوان مفهومی اعتباری و انتزاعی از تمایلات جامعه بشری است، اقتداری با ویژگی مطلقه و مقدس که هیچ شخص و هیچ چیز توان برابری با آن ندارد. درحالی‌که افراد جامعه بخش عظیمی از حقوق و آزادی‌های خویش را به منظور حصول به خیر مشترک در قالب قرارداد اجتماعی به حاکمیت و دولت واگذار کرده بودند.

### ۵-۳-۱. جهانی شدن و تأثیر آن بر حاکمیت دولت‌ها

جهانی شدن یکی از این تغییرات مهم محیطی نظام بین‌الملل است که به نوبه خود، دو پیامد گسترده برای مفهوم حاکمیت داشته است. نخست اینکه فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دامنه جهانی می‌یابد و موجب از بین رفتن تمایز بین حاکمیت داخلی و برابری حقوقی دولت‌ها در سطح خارج می‌شود که در تعریف سنتی حاکمیت اهمیت به‌سزایی دارد و دوم اینکه جهانی شدن از حیث نظام‌دهی دوباره زمان و مکان، سرزمینی بودن روابط بین‌الملل سنتی را از هم می‌گسلد (فروغی‌نیا، ۱۳۹۱،



این شرکت‌ها از جهان توسعه‌یافته صورت می‌گیرد و از مزایای منابع و نیروی کار ارزان کشورهای توسعه‌نیافته جهان استفاده می‌کنند.

در نتیجه جهانی شدن اقتصاد، کنترل دولت‌ها بر سیاست‌های اقتصادی تا حد زیادی کاهش یافته است. به‌نحوی که موجب شده است دولت کینزی به حاشیه کشانده شود. در دولت کینزی حاکمیت‌ها و اتحادیه‌های تجاری متأثر از سیاست‌های اقتصادی که به‌منظور افزایش نرخ اشتغال، مصرف انبوه، امنیت اجتماعی و رشد مطرح می‌شد به توافق می‌رسیدند. سندیکاهای کارگری آن زمان با صاحبان سرمایه در ازای بهره‌مندی از منافع امنیت اجتماعی به توافق می‌رسیدند و با چانه‌زنی جمعی بر سر قیمت‌ها همکاری می‌کردند و به‌صورت جمعی و مشارکتی موجبات تضمین سطوح بالایی از سرمایه‌گذاری و مدیریت علمی به‌منظور بهره‌وری حداکثری را فراهم می‌کردند. دولت کینزی به‌منظور کاهش بیکاری و افزایش قدرت خرید کارگران جهت خرید کالاهای مصرفی به جای پس انداز برای آینده، سرمایه‌ها را در امور عمومی و رفاهی سرمایه‌گذاری می‌کرد. جهانی شدن اقتصاد بیانگر این واقعیت است که دولت در حال حاضر در وضعیتی مشکل‌تر از گذشته قرار دارد و ناچار است که فعالیت‌های مربوط به سرمایه‌شرکتی را در جهت منافع ملی ضابطه‌مند کند و باید دوباره در راستای منافع ملی «جو تجاری مناسبی» ایجاد کند و مشوق‌هایی به‌منظور جذب سرمایه مالی فراملی و جهانی در نظر بگیرد. نیز دولت مکلف است تا با ابزاری غیر از کنترل‌های مبادلاتی جلو جابه‌جایی سرمایه‌ها به مناطق پر سودتر را بگیرد. اکنون دولت‌ها باید زمینه جذب شرکت‌های چندملیتی را فراهم

متفاوت باشد؛ ولی این ارزش‌ها از ماهیت یکسانی برخوردارند. هم‌گرایی ارزش‌های اقتصادی و سیاسی، یک اتفاق مهم و محوری میان ملت‌ها است. برای اینکه شرایط لازم برای وقوع اجماع نهایی میان جامعه انسانی به‌وجود می‌آورد که این واقعیت را بپذیرند که تنها یک نژاد از نوع بشر روی کره زمین وجود دارد.

### ۵-۳-۲. تأثیر جهانی شدن اقتصاد بر مفهوم حاکمیت و کارکردهای دولت

شاید بتوان گفت مهم‌ترین جنبه جهانی شدن، جنبه اقتصادی آن است. این جنبه در بر دارنده تولید در مقیاس جهانی و مبادلات مالی است. این مهم ارتباط تنگاتنگی با توسعه تکنولوژی و اطلاعات و تحلیل داده‌های مرتبط با موضوع دارد که زمینه ارتباطات گسترده‌ای در نظام مالی فراملی در نقاط مختلف جهان را فراهم می‌کند. مشارکت شرکت‌های چندملیتی در تولید جهانی و جابه‌جایی سرمایه را تسهیل می‌کند. وجود این شرکت‌ها در عرصه اقتصاد جهانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به نظر می‌رسد امروزه این شرکت‌ها پیش‌تاز جهانی شدن اقتصاد هستند که بر این اساس، تولیدات شرکت محدود به به کشوری که در آن تأسیس و به ثبت رسیده نیست؛ بلکه نمایندگی‌های متعددی در کشورهای مختلف با توجه به حجم سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم که توسط خود شرکت انجام شده است در حال فعالیت هستند. اغلب گفته می‌شود شرکت‌های چندملیتی تقسیم کار پسامستعمراتی را که از قبل وجود داشته است توسعه داده‌اند. به این دلیل که اصولاً راهبری

رسانه‌های متنوع و جریان مهاجرت در جهان و توسعه صنعت توریسم و پدیدار شدن «فرهنگ‌های سوم» کارکنان مراجع و مؤسسات اقتصادی و سیاسی در سطح بین‌المللی، پیوستگی فرهنگی در حال گسترشی در جهان ایجاد شده است. جریان‌های فرهنگی جهانی قادر هستند درک ما از جهان هستی تحت عنوان مکانی واحد برای زیستن مساعدت کنند.

تحت تأثیر جهانی شدن به‌نحو سازمان‌یافته‌ای استقلال دولت‌ها روند کاهشی به خود گرفته است تا حدی که حاکمیت‌ها به مدیریت فرایندهایی که بر آن‌ها کنترلی ندارند تنزل یافته‌اند؛ زیرا این فرایندها به داخل مرزهای ملی محدود نمی‌شوند. از نظر فرهنگی رسانه‌های ماهواره‌ای تفکرات جدیدی را وارد مرزهای ملی کرده‌اند؛ به‌نحوی که کنترل و سانسور را با مشکل مواجه می‌سازند و رسانه‌های خبری ملی را که مسئولیت حفظ انسجام ملی بر عهده آن‌ها است مورد تهدید قرار می‌دهند. تخریب محیط زیست دیگر محدود به مرزهای ملی نیست و دولت‌های ملی دیگر به‌تنهایی قادر به کنترل تهدیدات زیست محیطی نیستند. در نتیجه این تحولات زوال حاکمیت ملی که هم‌زمان با توسعه دولت-ملت مدرن مطرح شده بود و در پی مورد سؤال قرار گرفتن اقتدار سنتی در کشمکش‌های مذهبی و مدنی اوایل دوران مدرنیته که مشروعیت حاکم در عرصه حاکمیت تجسم می‌یافت، به تدریج در حال وقوع است. در حال حاضر حاکمیت دولت‌ها توسط یک نظام بین‌المللی که خود حاصل وابستگی متقابل است به موازات حاکمیت دولت‌ها شکل گرفته است و تضمین شده است.

کنند و همه الزامات ناشی از آن را بپذیرند. یعنی به‌جای اینکه مانند گذشته شرایطی را برای یک سیاست اقتصادی همکاری جویانه ایجاد کنند که متضمن تأمین منافع ملت باشد، اکنون باید انگیزه اتحادیه‌های تجاری مبارزه جو را از بین ببرند و انگیزه‌های مالیاتی مناسبی برای سرمایه جهانی خلق نمایند

شرکت‌های چندملیتی نسبت به گذشته دامنه وسیع‌تری از عرصه اقتصاد جهانی را به خود اختصاص داده‌اند. شواهد زیادی وجود دارد که هرچند عمده فعالیت این شرکت‌ها محدود به جهان توسعه‌یافته است؛ سرعت در بازارهای مالی موجب شده است که اکنون شرکت‌های چندملیتی بیش از گذشته سرمایه‌گذاری‌هاشان را مورد بررسی قرار دهند. در نتیجه احتمال زیادی وجود دارد بعضی کارخانه-هایشان را تعطیل کنند و به‌سرعت وارد عرصه جدیدی از بازارها و تولیدات در سطح جهانی شوند. این تحول در وضعیت شرکت‌های چندملیتی تبعات زیادی برای کشورهایی که این شرکت‌ها در آن‌ها فعالیت دارند در پی خواهد داشت (نش، ۱۳۹۰، ۷۰).

### ۵-۳-۳. جهانی شدن فرهنگی و تحدید کنترل دولت‌ها

تمامی ابعاد جهانی شدن مانند جهانی شدن اقتصاد کم‌وبیش به توسعه تکنولوژی‌های اطلاعاتی ارتباط دارند. تأثیر جهانی شدن فرهنگی چنین نیست که گرایش به سمت یک فرهنگ جهانی واحد در حال افزایش است؛ بلکه منطبق جهانی شدن فرهنگی مبتنی بر این است که اساساً امروزه به لطف وجود

و توسط جامعه صورت می‌گیرد که در این حیطه دولت حاکم کمتر مورد توجه است. دولت‌های مدرن امروزه به سمت حاکمیت مشارکتی و متکثر سوق یافته‌اند. در دولت فراتنظیمی توسعه نظم رفتاری در عرصه‌های اقتصادی- اجتماعی در قلمرو داخلی و عرصه بین‌المللی مرز بین دولت‌ها، اشخاص و گروه‌ها را طی کرده است و حاکمیتی متکثر که مدام در حال بازسازی خویش است خلق کرده است. ورود شرکت‌های چندملیتی و غیر دولتی فراملی به عرصه بین‌المللی نیز این مهم را قوام بخشیده است. در نتیجه خصوصی‌سازی و رقابت‌های اقتصادی نیز شدت یافته است. در دولت فراتنظیمی بخش خصوصی نقش پررنگی دارد و دولت با مداخله غیر مستقیم با مکانیزهای نظارتی ضمن فراهم کردن زمینه رقابت آزاد فعالان در حوزه اقتصادی نقش تنظیم‌گری و حفظ تعادل در جامعه و بازار را ایفا می‌کند و در واقع ناظر عالی و اصلی جامعه محسوب می‌شود. (Colin, 2004, 38).

هرچند جهانی شدن و افزایش شمار بازیگران غیر دولتی زمینه رشد اقتصادی و توسعه مردم‌سالاری در جهان را فراهم کرده است؛ ولی در بر دارنده تبعات منفی نیز بوده است. سترسازی بروز بیماری‌های مسری، بحران‌های اقتصادی و مالی، گسترش جرائم سازمان‌یافته، تروریسم بین‌المللی و توسعه قاچاق مواد مخدر از جمله پیامدهای جهانی شدن هستند. به این ترتیب، با از میان رفتن تمرکزگرایی و جهان دوقطبی و ظهور نهضت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی فراملی و قدرت گرفتن سازمان‌های بین‌المللی و شرکت‌های چندملیتی به صورت فراملی، ناتوانی دولت‌ها در اعمال حاکمیت بیش از پیش شده

کشورهای توسعه‌یافته در نظام‌های حقوقی کنونی با الهام از اندیشه‌های پست‌مدرن، رقابت بین بازیگران و کانون‌های قدرت در جامعه به خصوص بازیگران عرصه اقتصادی را پدید آورده‌اند. بدین نحو که به جای متکی بودن بر خرد حاکمان خویش، با اهمیت دادن و تکیه بر عقلانیت و خرد جامعه ضمن ایجاد فرصت شکوفایی استعداد‌های متعدد در جامعه، بر مبنای دانش و فناوری اهتمام ورزیده‌اند. برای مثال اهتمام به خصوصی‌سازی و ایجاد رقابت بین بازیگران خصوصی در فضای اقتصادی، به جای اقتصاد منفعل و دولتی، اقتصادی پویا و فعال و خصوصی ایجاد کرده‌اند که در این فضا، هر شخص می‌تواند به فراخور گفتمان برتر خود در این عرصه، به عنوان قدرتی برتر در جامعه جلوه‌گر شود. این گونه ایفای نقش افراد در نظام‌های حقوقی کنونی موجب شده است تا دولت‌ها علاوه بر شناسایی کانون‌های متعدد قدرت در سطح جامعه، با بازگشایی مرزهای خود به روی جهان، امکان فعالیت و قدرت‌نمایی آن‌ها را در سطح فراملی نیز پدید آوردند که خود موجب بروز پدیده و عرصه «جهانی شدن» شده است. این نظام‌های پیشرفته حقوقی با تفکر «دولت فراتنظیمی» بنا نهاده شدند. دولت فراتنظیمی، اداره امور کشور با حداکثر امکان توسط بخش خصوصی و بر پایه خصوصی‌سازی و نظام تنظیمی پیشرفته برای هنجارمندی رفتار بازیگران این بخش است (ویژه و دیگران، ۱۳۹۵، ۲۳).

امروزه دولت فراتنظیمی، تفکری نو در حوزه اقتصادی عرضه می‌کند که آزمودن فرضیات مختلفی را در پی دارد و در مرکز کنترل حیات اقتصادی کشور قرار می‌گیرد. بر اساس تفکر نوین راجع به حکمرانی، کنترل از طریق مقررات امری پراکنده تلقی می‌شود

قواعد در حوزه فعالیت خود تلاش می‌کنند (نژندی منش و دیگران، ۱۳۹۷، ۱۸۶).

### ۵-۳-۴. فناوری اطلاعات و ارتباطات و تأثیر آن بر مفهوم حاکمیت

در فضای متحول نظام بین‌الملل، جهانی شدن و تأثیرات در حال افزایش آن توسعه فناوری‌ها و اطلاعات در زمینه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کارکرد حاکمیت مطلقه در نظام‌های سیاسی جدید را با مشکل مواجه کرده است.

توسعه فناوری و اطلاعات و ارتباطات و آسان بودن دسترسی افراد به این اطلاعات و افزایش سطح آگاهی آن‌ها و ارزیابی هزینه پردازش و انتقال اطلاعات زمینه برای ظهور کنشگران جدید در این عرصه را فراهم کرده است. توانمند شدن این کنشگران موجب شده است تا مفهوم سنتی حاکمیت متحول شود و جنبه‌هایی از غیر قابل تقسیم بودن آن، تقسیم‌پذیر و مطلق بودن آن، غیر مطلق شود و دائمی بودن آن مورد تردید قرار گیرد و بیشتر معنای مسئولیت به خود بگیرد. در واقع، کنشگران دیگری پیدا شده‌اند که حاکمیت مطلق و غیر قابل تقسیم دولت را به چالش کشیده‌اند و خواهان محدودیت آن و افزایش نقش خود در آن حوزه هستند (سلطانی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۵، ۸۷).

فناوری ارتباطی و اطلاعاتی که از اوایل دهه ۱۹۹۰ در مقیاس جهانی گسترش یافت، امروزه وارد مرحله نوینی شده است که تحت عنوان فراتکنولوژی شناخته می‌شود. فناوری‌های نوین اطلاعاتی-ارتباطی که در عرصه بین‌المللی گسترش یافتند

است (زین‌العابدین و دیگران، ۱۳۹۳، ۱۴۰). در فضای تحول‌یافته جهان، رفتار دولت با اتباع خود دیگر یک موضوع انحصاری داخل در صلاحیت آن دولت نیست و حتی برخی از حوزه‌ها که سابقاً درون مرزهای دولت‌ها محصور بود، امروزه در ورای مرزها قابل تصور است. برای مثال می‌توان حوزه حقوق بشر را ذکر کرد که زمانی تنها در رابطه میان افراد و دولت متبوع آن‌ها معنا داشت؛ اما در حال حاضر علاوه بر اینکه دولت‌ها با پذیرش صلاحیت دادگاه‌های منطقه‌ای حقوق بشر، امکان دادرسی اتباع قربانی خود را فراهم ساخته‌اند، رعایت حقوق بشر در «اعلامیه حقوق بشر افرادی که تبعه کشور نیستند» نیز مورد شناسایی مجمع عمومی سازمان ملل قرار گرفته است. در جهان معاصر، جامعه ملی جامعه‌ای متأثر از تعاملات و مناسبات با جامعه جهانی است و دولت ملی، دولتی تحت تأثیر عوامل و نهادهای بین‌المللی و فراملی است. جهانی شدن دولت‌ها را وادار کرده است تا با پذیرش ارادی تعهدات بین‌المللی در قالب‌های مختلفی از جمله معاهدات بین‌المللی و پیوستن به نهادهای بین‌المللی، حاکمیت خود را تعدیل کنند. برای مثال، سازوکار حل و فصل اختلاف در سازمان تجارت جهانی استقلال اقتصادی دولت‌ها و تصمیمات شورای حقوق بشر استقلال سیاسی آن‌ها را محدود می‌کند. بخشی از تعدیل حاکمیت دولت‌ها نیز به واسطه اقدامات ارادی آن‌ها ایجاد می‌شود که البته، چنین اقداماتی نیز در نتیجه اقتضات کنونی جامعه بین‌المللی است که جهانی شدن آن را ایجاد کرده است. دولت‌ها به واسطه پیوستن ارادی به سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، بخشی از اختیارات خود را به آن‌ها واگذار می‌کنند. نهادهای بین‌المللی نیز به‌طور گسترده در راستای متحدالشکل کردن

های اطلاعات و ارتباطات در جهان است. سرعت پرشتاب فناوری های مذکور و توانایی اندک کنشگران دولتی در انطباق خویش با الزامات ناشی توسعه فناوری ها، چالش بی سابقه ای را در زمینه کنترل روندهای امنیتی از سوی دولت ها پدید آورده است (نورمحمدی، ۱۳۹۱: ۱۷۲). عدم امکان کنترل سومین ویژگی مهم فناوری های اطلاعات و ارتباطات می باشد. توسعه این فناوری ها به نحوی است که حتی در اغلب موارد عوامل توسعه و زمینه سازان آن هم نمی توانند آن را کنترل نمایند.

بر این اساس، دولت ها دیگر نمی توانند روابط خود را با مردم و حوزه خصوصی به شکل سابق تعریف و تدوین کنند بهاین دلیل که محدودیت های گسترده ای برای آن ها در این زمینه ایجاد شده است. فناوری ها و شبکه های ارتباطی بازیگران غیر دولتی و افراد و گروه های تروریستی در سطح جهان ضمن تسهیل اشکال نامتعارف جنگ و خشونت برای حاکمیت دولتها تهدیدی جدی ایجاد نموده اند و علاوه بر این، آن ها قدرت کنترل دولت بر جریان های اطلاعاتی به داخل و خارج کشور که با هدف تامین امنیت یا دفاع از حاکمیت دولت صورت می گیرد را به چالش کشیده اند (Rosenau & Singh, 2002: 18-20).

سازمان های غیر دولتی که عمدتاً محصول تحولات مذکور و به ویژه تکنولوژی های اطلاعات و ارتباطات هستند، اقدامات خود در سطح بین المللی را از محدودیت های ناشی از حاکمیت دولت ها رها کرده اند و مرزهای ملی را پشت سر می گذارند، به صورت شبکه ای فعالیت می کنند و محدود به سرزمین نیستند. تحت تأثیر افزایش شمار کنشگران غیر

عبارت اند از ترکیب کامپیوترها، رسانه های گروهی و نرم افزارهایی که با کمک یکدیگر نوعی از محیط مجازی متشکل از شبکه های اطلاعاتی و ارتباطی را در عرصه بین المللی تشکیل می دهند. اما فراتکنولوژی ها موجب سرعت و دگرگونی در ماهیت تعامل و ارتباطات جامعه بشری و نیز ارتباط انسان با محیط اطراف و شتاب تغییرات نهادی در عرصه بین-المللی در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شده اند (وحیدی، ۱۳۹۰، ۲۱۲).

اولین ویژگی منحصر به فرد تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات که موجب افزایش شمار کنشگران در عرصه جهانی شده اسن، جهان شمولی این تکنولوژی ها است؛ این ویژگی موجب شده است که اطلاعات و ارتباطات در یک محدوده خاص ننگند و نفوذ گسترده ای در سطح جهان داشته باشد. به عبارتی، فناوری های اطلاعات و ارتباطات همه مرزها را در می نوردند و ایجاد نوعی وحدت در جهان را پیش گرفته اند. وحدت مکانی مهم ترین ویژگی این فناوری ها است. پدیده فضای مجازی با شکل کنونی با تقسیم سرزمین های جهان به دولت های مختلف سازگاری ندارد و تا آنجا که به فناوری و اطلاعات مرتبط می شود مرزی وجود ندارد.

فضای جوی حاکمیت ها در رصد رادارهای فراز افق با گستره جغرافیایی وسیع قرار گرفته اند و ماهواره ها با دوربین های بسیار دقیق به کاوش در تأسیسات نظامی و تجاری در درون مرزهای ملی می پردازند (مستقیم، ۱۳۸۵، ۲۳۵). ویژگی دوم این فناوری ها که حاکمیت دولت ها و میزان دخل و تصرف آن ها در حریم خصوصی و حوزه عمومی جامعه را به چالش می کشد، سرعت توسعه فناوری

و جابه‌جایی اطلاعات در مقیاس جهانی و توانایی متصل کردن کاربران از سراسر جهان به یکدیگر صرف‌نظر از ملیت، مذهب، نژاد، زبان و غیره، عملاً در تعارض با منافع دولت‌های ملی قرار گرفته است. به عبارتی اقتدار حاکمیت‌ها و دولت‌های ملی بر فضای ملی خویش را با چالش مواجه کرده است. این ویژگی فضای مجازی زمینه تولید و تکثیر نیروهای ضد دولتی، کاستن از مقبولیت حاکمیت‌ها نزد شهروندان، توسعه میدان و بسترسازی برای خودنمایی گروه‌های ضد حکومتی را فراهم کرده است. چه در مقیاس شهروندی و فضای ملی و چه در مقیاس فراکشوری و جهانی و به‌طور کلی امکان تهدید، تضعیف، سقوط و جابه‌جایی دولت‌ها و حکومت‌های ملی و ارزش‌های مورد نظر آن‌ها و جایگزینی نیروهای رقیب و نیز کاهش اقتدار حاکمیتی آنان منجر شده است. از این رو حکومت‌ها و دولت‌های ملی به تکاپو افتاده‌ند تا از پس این چالش برآیند و تهدیدات بر علیه خود را کاهش دهند و یا از بین ببرند (بدیعی ازندهی و دیگران، ۱۳۹۱، ۱۶۸).

## ۶. نتیجه

نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که جهانی شدن در بر دارنده محدودیت‌های زیادی بر تمهیدات فردی دولت‌ها است. امروزه به دلیل پیشرفت و توسعه فناوری و اطلاعات افراد جامعه با سرعت و بدون محدودیت از آنچه در جهان رخ می‌دهد مطلع می‌شوند و نسبت به آن‌ها نفیاً یا اثباتاً واکنش نشان می‌دهند. تجربه زندگی جمعی ثابت کرده است یکی از مقوله‌هایی که می‌تواند به دولت مشروعیت دهد یا برعکس موجب بحران مشروعیت برای دولت باشد،

دولتی و فراملی در عرصه‌های واقعی و مجازی، نظام بین‌المللی به‌عنوان عرصه فعالیت این کنشگران بیش از گذشته از حالت حاکمیت و ستفالیایی خارج شده است. رشد و توسعه اطلاعات و فناوری‌های نو با بسترسازی برای فعالیت مجازی در شبکه‌های الکترونیکی موجبات تضعیف کنترل و دولت‌های ملی بر فضا و قلمرو سرزمینی را فراهم کرده است. در واقع شکل‌گیری مرزهای سایبری را شاهد هستیم. مرزهایی غیر متمرکز که دولت‌های ملی دیگر قادر به کنترل آن نخواهند بود. مخدوش شدن مرزهای ملی موجب شده است تعریف شهروندی نیز مغشوش شود. از سوی دیگر، فقدان مواضع مشخص و آشکار برای قدرت، به سست شدن کنترل اجتماعی و گسترش چالش‌های سیاسی انجامیده است (کاستلز، ۱۳۸۰، ۳۷۴).

می‌توان گفت امروزه و در عصر توسعه اطلاعات با ظهور فضای مجازی شاهد سرعت بخشی در روند سرزمین‌زدایی هستیم. فضای مجازی در واقع مجموعه‌ای از ارتباطات درونی جامعه بشری را از طریق رایانه‌ها و سیستم‌های مخابراتی در خود جای داده است و این بدون در نظر گرفتن مرزهای جغرافیایی در حال بهره‌برداری و مبادله است.

با ظهور فضای مجازی تلاش دولت‌ها برای اعمال حاکمیت و اقتدار به‌منظور جلوگیری از دخالت سایر بازیگران عرصه بین‌المللی در امور داخلی دولت‌ها در حال تضعیف شدن است. به‌نحوی که هیچ دولتی قادر نیست از ورود جریان اطلاعات به مرزهای داخلی خود جلوگیری کند. به این ترتیب فضای مجازی و اینترنت جهانی به دلیل اینکه عملکرد آن‌ها دارای ماهیتی فرادولتی است و نیز قابلیت برقراری ارتباط

دفاع کند و از تضمین حقوق آنان عاجز باشد، نمی‌توان به آن حاکمیت گفت؛ بلکه یک حق عاریتی است که می‌تواند از دولت سلب شود. در مواردی که افراد نتوانند از حقوق خویش دفاع کنند و دولت هم برای این مهم اراده‌ای نداشته باشد یا ناتوان باشد مسئولیت بر عهدهٔ جامعهٔ جهانی خواهد بود که تصمیمات مقتضی بگیرد. علاوه بر موارد ذکر شده جهانی شدن زمینهٔ فرسایش حاکمیت را فراهم کرده است. مفاهیمی چون حقوق بشر، حکمرانی مطلوب، بازار آزاد شروطی را بر توافق‌نامه‌های تجاری و مساعدتی بار می‌نماید. یکی از ابزارهای حمایت از شهروندان در مقابل حاکمیت‌های مستبد تحریم اقتصادی است. از طرفی جنگ و خشونت باعث شده است تا حقوق بشردوستانه وارد نظم نوین جهانی شود. مقوله‌هایی مانند جنگ‌های عادلانهٔ پسامدرن، اعمال خشونت و اشغال نظامی را در قالب عدالت و اخلاق توجیه کرده‌اند و در نهایت نزاع بین حاکمیت‌های اقتدارگرا و منافع مشترک بشریت به نفع بشریت به سرانجام خواهد رسید.

امروزه جهانی شدن موجب شده است دیگر سخن از حاکمیت زوال‌ناپذیر در بین مفاهیم سیاسی جایگاهی نداشته باشد. به‌علاوه کشورها ناگزیرند برای حل مشکلات جهانی با یکدیگر تعامل داشته باشند. در جهان امروز دیگر بحث از حاکمیت مطلق و سنتی نیست؛ بلکه حاکمیت مشروط و متکثر مطرح است. یعنی حاکمیت قادر باشد تعهدات بین‌المللی خویش را ایفا کند، حامی شهروندان خویش باشد، رفاه شهروندان را تأمین کند، از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی و منافع مشترک بشریت صیانت کند.

رفاه اجتماعی است. رفاه در پناه اقتصاد سالم قابل دسترسی است. جهانی شدن بیشترین تأثیر را بر اقتصاد جهانی دارد و بیش از هر بخش دیگری اقتصاد را درگیر کرده است. شرکت‌های فراملی و چندملیتی حجم قابل توجهی از ثروت جهانی را به خود اختصاص داده‌اند و این شرکت‌ها قادرند تصمیماتی اتخاذ کنند که باعث رشد اقتصادی کشوری شود یا رکود اقتصادی کشوری را رقم بزند. لذا دولت‌ها در عصر جهانی شدن باید زمینهٔ مشارکت و سرمایه‌گذاری این بنگاه‌های اقتصادی را در کشور خویش تسهیل کنند. در عصر حاضر تحت فشار افکار عمومی در قالب نهادهای مدنی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی بعضاً ناچار می‌شوند که پیرامون وقایع فراسوی مرزهایشان واکنش نشان دهند و تصمیماتی اتخاذ کنند. شیوهٔ نگرش افراد جامعه پیرامون چگونگی حکمرانی تحت تأثیر فرایند جهانی شدن تغییر کرده است. در عصر حاضر دیگر دولت‌ها در پرتو اصل عدم مداخله، از تعرض و مداخله مصون نیستند. در موضع ضعف قرار گرفتن اصل عدم مداخله به‌عنوان مهم‌ترین ابزار محافظت از حاکمیت‌ها در مقابل دخالت دیگر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی تضعیف حاکمیت را نیز در پی داشته است. وقتی که مداخلهٔ بشردوستانه در قلمرو کشوری به وقوع می‌پیوندد، به این معنی است که حاکمیت مؤثر دولتی در آن کشور وجود ندارد. حاکمیت در کشور ناشی از حقی است که مردم به آن اعطا کرده‌اند. اعطای این حق از ناحیهٔ افراد جامعه به قدرتی مافوق به‌منظور حفظ نظم و امنیت و تنظیم روابط اجتماعی است. در واقع حاکمیت مسئولیت حمایت از افراد جامعه و صیانت از حقوق بشری آن‌ها را بر عهده دارد. لذا اگر دولتی نتواند از صلح و امنیت در درون جامعهٔ خویش

## ۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

## ۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد



## منابع

### فارسی

جهانی شدن»، فصلنامهٔ مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال اول، شمارهٔ ۱، ۱۳۹۱.

- کاستلز، مانوئل، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمهٔ حسن چاوشیان، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۰.

- کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۳.

- گالاخر، کارولین، مفاهیم اساسی در جغرافیای سیاسی، ترجمهٔ محمدحسن نامی و علی محمدپور، تهران، انتشارات زیتون سبز، ۱۳۹۰.

- لاگلین، مارتین، مبانی حقوق عمومی، ترجمهٔ محمد راسخ، تهران، نشر نی، ۱۳۸۸.

- مرتضوی، سیدضیاء، «اتلاق و تقید حاکمیت سیاسی»، فصلنامهٔ علوم سیاسی، سال هجدهم، شمارهٔ ۷۱، ۱۳۹۴.

- مستقیم، بهرام، «فناوری اطلاعات و حاکمیت»، مجلهٔ دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شمارهٔ ۷۱، ۱۳۸۵.

- موسی‌زاده، رضا، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸.

- نژندی منش، هیبت‌الله؛ بذار، وحید (۱۳۹۷)، «جهانی شدن و پیامدهای آن بر دولت»، فصلنامهٔ تحقیقات حقوقی معاهده، ۱۳۹۷.

- نش، کیت، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست، قدرت، ترجمهٔ محمدتقی دلفروز، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۹۱.

- بدیعی ازندهی، مرجان؛ حسینی نصرآبادی، نرجس‌السادات، «جهانی شدن و تحول مفهوم حاکمیت ملی»، نشریهٔ تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال دوازدهم، شمارهٔ ۲۵، ۱۳۹۱.

- بروجردی، لیلی، «مفهوم حاکمیت نوین یا مفهوم نوین حاکمیت»، مجلهٔ مطالعات توسعهٔ اجتماعی ایران، سال یازدهم، شمارهٔ ۱۴، ۱۳۹۸.

- پروین، خیرالله؛ اصلانی، فیروز، اصول و مبانی حقوق اساسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.

- دبیرنیا، علیرضا، «حاکمیت مردم در مفهوم مدرن؛ فراساختاری بودن حق حاکمیت»، فصلنامهٔ پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دورهٔ ۲۰، شمارهٔ ۳، ۱۳۹۵.

- زین‌العابدین، یوسف؛ شیرزاد، زهرا، «تحلیل قلمرو حاکمیت دولت‌ها در ژئوپلیتیک پست‌مدرن»، فصلنامهٔ سیاست جهانی، دورهٔ سوم، شمارهٔ ۳، ۱۳۹۳.

- سلطانی‌نژاد، احمد؛ اسلامی، محسن؛ راستگو، محمدزمان، «فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفته و تحول مفهوم حاکمیت در روابط بین‌الملل»، فصلنامهٔ جستارهای سیاسی معاصر، سال هفتم، شمارهٔ ۱، ۱۳۹۵.

- فروغی‌نیا، حسین، «بین‌المللی شدن حقوق بشر و دگردیسی در مفهوم حاکمیت دولت‌ها در عصر

and the Rise of the Competition State. Special Issue of the Political Quarterly, Vol.75.

- Rosenau James N. and Singh J.(2002). Information technologies and global politics: The changing scope of power and governance, New York: State University of New York Press.

- نورمحمدی، مرتضی، «تأثیر فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات بر کنشگران عرصه امنیت جهانی»، فصلنامه پژوهش‌های خاور میانه، سال اول، شماره ۱، ۱۳۹۱.

- وحیدی، موسی‌الرضا، «فرا تکنولوژی و تحول مفهوم قدرت در روابط بین‌الملل»، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۰.

- ویژه، محمدرضا، «مفهوم تازه حاکمیت در حقوق عمومی»، مجله سیاسی اقتصادی، شماره ۲۳۲، ۱۳۸۵.

- ویژه، محمدرضا؛ آری، پتفت، «واکاوی مفهوم پسامدرن حاکمیت از دیدگاه حقوق عمومی با تأکید بر اندیشه‌های فوکو»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هجدهم، شماره ۵۲، ۱۳۹۵.

- ویلیامز، مارک، «بازاندیشی در مفهوم حاکمیت؛ تأثیر جهانی شدن بر حاکمیت دولت»، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۵۶، ۱۳۹۷.

- وینسنت، اندرو، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی، ۱۳۷۶.

### انگلیسی

- Albahary, D.(2009). International Human Rights and Global Governance: The End of National Sovereignty and the Emergence of a Suzerain World Polity. Mich. St. U. Coll. LJ Int'l L., vol. 18.

- Colin H., (2004). Re-Stating Politics Re-Politicizing the State: Neoliberalism Economic Imperatives